University of Tabriz

Iranian Islamic Period History

Online ISSN: 2717-2902
Volum: 17 **Issue:** 47
Summer 2026
Pages: 61-86

Article Type: Research Article **DOI:** 10.22034/JIIPH.2026.71886.2633

Received: 2026/04/08 **Received in revised form:** 2026/07/01 **Accepted**: 2026/07/21 **Published:** 2026/09/16

The Representation of the National Consultative Assembly (Majlis) in the Hikmat and Chehrehnama Newspapers from the Constitutional Revolution's Victory to the End of the Minor Despotism (1324–1327 AH)

Mohammad Ali Ranjbar[1]| Parisa Bordbar[2]

Abstract

The National Consultative Assembly (Majlis) was the practical manifestation of the Iranian understanding of the modern institution of parliament. The press of the Qajar era provides valuable sources for tracing not only the intellectuals' understanding of this institution but also the views of other segments of educated Iranian society. The opening of the National Assembly marked the beginning of the Constitutional Era, while its closure marked the onset of the period of the Minor Tyranny (Estebdad-e Saghir). Despite its dissolution, however, the Assembly continued to receive the support of constitutionalists until the end of the Minor Tyranny. This study examines Hekmat and Chehreh-Nama, the only Iranian newspapers published in Arab countries during this period, to investigate how their editors, readers, and correspondents understood the Majlis. Employing historical research methods and organizing the collected data through a descriptive-analytical approach, the study arrives at the following findings: Both publications regarded the Majlis as a consequence of limiting the monarch's political power and enabling popular political participation, and invoked the concept of consultation (shura) to legitimize and promote its acceptance. However, in discussing the powers of the Majlis, they went beyond the general principle of consultation, addressing its independent role in legislation, oversight of law enforcement, and supervision of the government's financial affairs. Furthermore, during the period of the Minor Tyranny, both publications strongly defended the people's right to participate in the legislative authority of the Majlis.

Keywords: *Parliament, Shura (Consultation), Popular Representation, Legislative Power, National Consultative Assembly.*

1. Assistant Professor, Department of History, Shiraz University, Iran. (Corresponding Author) ranjbar@shirazu.ac.ir
2. PhD Candidate in Post-Islamic History Iran, Shiraz University, Iran pbordbar.1369@gmail.com

شاپا الکترونیکی: ۲۹۰۲-۲۷۱۷
دوره: ۱۷، شماره: ۴۷
تابستان ۱۴۰۵
صفحات: ۶۱-۸۶

تاریخ‌نامهٔ ایران بعد از اسلام

نوع مقاله: پژوهشی
DOI: 10.22034/JIIPH.2026.71886.2633

تاریخ دریافت: ۱۴۰۵/۰۱/۱۹ **تاریخ بازنگری:** ۱۴۰۵/۰۴/۱۰ **تاریخ پذیرش:** ۱۴۰۵/۰۴/۳۰ **تاریخ انتشار:** ۱۴۰۵/۰۶/۲۵

بازنمایی مجلس شورای ملی در نشریه‌های «حکمت» و «چهره‌نما» از پیروزی انقلاب مشروطه تا پایان استبداد صغیر (۱۳۲۴– ۱۳۲۷ق.)

محمدعلی رنجبر[۱] | پریسا بردبار[۲]

چکیده

مجلس شورای ملی نتیجهٔ عملی فهم ایرانیان از نهاد مدرن پارلمان بود. نشریات دورهٔ قاجار ازجمله منابعی هستند که فرصت رصد چنین فهمی نه‌تنها از میان دیدگاه‌های اندیشمندان، بلکه مطالعه نظرات بخش‌های دیگر جامعهٔ تحصیل‌کردهٔ ایرانی را فراهم می‌کنند. افتتاح مجلس آغازگر دورهٔ مشروطه و به توپ بسته شدن آن، شروع دوبارهٔ استبداد تلقی می‌شد و مشروطه‌خواهان برای برقراری مجدد مجلس تا پایان استبداد صغیر دست از تلاش برنداشتند. حکمت و چهره‌نما در این بازهٔ زمانی، در کنار نشریات برون‌مرزی ایرانی در کشورهای دیگر، تنها نشریات فعال فارسی‌زبان در کشورهای عربی بودند. بنابراین برای پژوهش حاضر انتخاب شدند تا فهم مدیران، خوانندگان و مخبران از مجلس در روایت‌های روزهای افتتاح و حمایت‌های هنگام منحل شدن تا پایان استبداد صغیر موردبررسی قرار گیرد. سؤال اصلی این است که مجلس در این زمان، در دو نشریه با چه ویژگی‌هایی شناخته می‌شد؟ نتایج پژوهش با بهره‌گیری از روش پژوهش تاریخی و تنظیم داده‌ها به شیوهٔ توصیفی–تحلیلی از این قرار است که هر دو، مجلس را پیامد تحدید قدرت سیاسی سلطنت و مشارکت سیاسی مردم قلمداد و برای پذیرش آن از قاعدهٔ شور استفاده می‌کردند. با این حال، دربارهٔ اختیارات مجلس تنها به ذکر کلی قاعده شورا بسنده نشد، بلکه جزئیاتی دربردارندهٔ شأنی مستقل در تقنین و نظارت بر اجرای قوانین و مراقبت امور مالی دولت نیز یاد گردید. همچنین جایگاه مردمی مجلس در قدرت تقنین توسط دو نشریه در دورهٔ استبداد صغیر قویاً دفاع می‌شد.

کلیدواژه‌ها: پارلمان، شور، نمایندگی مردم، قوهٔ مقننه، مجلس شورای ملی.

۱. دانشیار گروه تاریخ، دانشگاه شیراز، ایران (نویسنده مسئول) ranjbar@shirazu.ac.ir
۲. دانشجوی دکتری تاریخ ایران بعد از اسلام، دانشگاه شیراز، ایران pbordbar.1369@gmail.com

مقدمه

پارلمان نهادی مدرن با دو ویژگی عمده، یکی ورود ترکیب‌های مختلف اجتماعی به‌عنوان اعضا و دیگری کارکرد ویژهٔ تقنینی و نظارتی آن است. ایرانیان با پارلمان از طرق مختلفی چون سفر، ترجمهٔ کتب و رسایل سیاسی و هم‌عصر شدن با جریان‌های مشروطه‌خواهی کشورهایی چون عثمانی، ژاپن و روسیه آشنا شدند و این شناخت در دورهٔ مظفرالدین شاه به مجلس شورای ملی تحت عنوان محل اتحاد و مشورت دولت و ملت و مستقل در تقنین عینیت یافت.

نشریات دورهٔ قاجار منابع حائز اهمیتی هستند که درک ایرانیان تحصیل‌کرده سوای اندیشمندانی چون میرزا یوسف خان مستشارالدوله و میرزا ملکم خان را بازتاب می‌دهند. نشریه‌های *حکمت* و *چهره‌نما* به سرپرستی میرزا محمدمهدی تبریزی و میرزا عبدالمحمد مؤدب‌زاده در قاهرهٔ مصر، تنها نشریات فارسی‌زبان ایرانی برای ایرانیان مهاجر کشورهای عربی در سال‌های پرتنش برای مجلس شورای ملی یعنی از ۱۳۲۴ تا ۱۳۲۷ق. بودند. این دو نشریه در دورهٔ پیشامشروطه به پارلمان‌های دیگر کشورها توجه داشتند و ویژگی‌های قابل‌توجهی را برشمردند؛ با این حال ایرانیان را ترغیب به ایجاد چنین نهادی نمی‌کردند. اما در سال‌های آغاز کار مجلس شورای ملی و دورهٔ استبداد صغیر لحن محتاطانه جای خود را به تمجید و حمایت می‌دهد. بنا بر اهمیت مجلس برای مدیران و خوانندگان و خبرنگاران دو نشریه در بازهٔ زمانی مذکور، مسئلهٔ پژوهش با هدف بررسی درک این دسته از افراد در جامعه ایرانی به‌دنبال پاسخ به این سؤال است که مجلس شورای ملی از منظر روایت‌ها و حمایت‌هایشان در آن سال‌ها، با چه ویژگی‌هایی فهم می‌شد؟

یافته‌های پژوهش با اتخاذ روش معمول در پژوهش تاریخی و گردآوری داده‌ها به‌صورت کتابخانه‌ای و تنظیم آن‌ها به شیوه توصیفی- تحلیلی از این قرار است: در دو نشریه، فهمی از پارلمان پیش از تأسیس مجلس جاری بود و در دورهٔ مشروطه، آن فهم در قامت مجلس تحقق یافت. در هر دو، پارلمان و مجلس محلی برخاسته از تحدید قدرت سیاسی دولت و توزیع آن با ملت قلمداد و برای پذیرش آن از اتفاق دولت و ملت و عمل به قاعده شورا استفاده شده‌است. اختیارات مجلس نشر عدالت به‌وسیلهٔ نظارت مالی بر

کارگزاران حکومتی بیان و ضمن تأکید بر تفکیک قدرت‌های تقنینی و اجرایی، مجلس تحت عنوان قوه مقننه و مراقب اجرای قوانین تلقی شده‌است. هرچند در زمان استبداد صغیر، ویژگی‌های عدالت محوری و شورایی بودن مجلس تأکید می‌شد، اما از مشخصاتی دیگر چون ماهیت منتخب مردم بودن اعضا و اختیارات تقنینی و نظارتی مجلس نیز حمایت می‌شد.

پژوهش درباره *حکمت* و *چهره‌نما* اغلب در دغدغه پیشرفت و راه‌های پیشبرد آن متمرکز شده‌است. پژوهش‌هایی چون «ایران و ایرانیان آیینه مطبوعات فارسی‌زبان مصر» از مسعود کوهستانی نژاد در سال ۱۳۸۶، «رویکرد انتقادی روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر به وضعیت اقتصادی ایران در عصر ناصری و مظفری» از غلامحسین زرگری نژاد و ستار زارعی در سال ۱۳۹۴، دوباره از دو نویسنده اخیر در سال ۱۳۹۷ «نقش تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران دورهٔ قاجار از منظر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر» و «تلقی روزنامه *حکمت* از لزوم مدارس جدید» به قلم محمد رادمهر و سید نصرالله حجازی در سال ۱۳۹۶ را می‌توان یاد کرد. در حوزه رساله و پایان‌نامه «تحلیل گفتمان انحطاط و عقب‌ماندگی در روزنامه‌های فارسی خارج از کشور در دورهٔ قاجار (مطالعه موردی اختر، حبل‌المتین و *حکمت*)»، رساله دکترا از افسانه روشن در سال ۱۳۹۶ است که بیشترین همّ پژوهشگر بر داده‌های اختر و حبل‌المتین است و داده‌های مربوط به روزنامه حکمت در حدود دغدغه پژوهش یعنی تحلیل گفتمان عقب‌ماندگی در بستر موضوعاتی چون وطن‌پرستی، نقد وضعیت اقتصادی و اخلاق مستبدانه کارگزاران دولتی و تفاخر به ژاپن محدود شده‌اند. پایان‌نامه ارشد با موضوع «اندیشه تحزب در روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور از آغاز تا مشروطه» از هدا جعفری در سال ۱۳۹۱ با هدف تبیین اندیشه تحزب در روزنامه‌های قانون، اختر، حبل‌المتین، *حکمت*، ثریا و *چهره‌نما* از آغاز تا سال ۱۳۲۴ق. صورت گرفته‌است. تفاوت مقاله حاضر با پایان‌نامه در دو وجه است؛ یکی بازه زمانی و دیگر، هرچند پایان‌نامه به داده‌هایی از پارلمان در دو نشریه پرداخته‌است، اما غالباً اشاراتی پراکنده و در حد نقل‌قول‌های مستقیم از داده‌هایی اندک و بدون تحلیل است و به تائیدات دو نشریه بر پایگاه مردمی نمایندگی مجلس شورای ملی و بر نقش تقنینی آن به‌ویژه در سال‌های ۱۳۲۴– ۱۳۲۷ق. پرداخته نشده‌است. پژوهش حاضر تمرکز بیشتری بر جزئیات ماهیت اعضا و اختیارات نهاد پارلمان

دیگر کشورها در دوره پیشامشروطه و نگرش و حمایت دو نشریه از مجلس شورای ملی ایران در سال‌های ۱۳۲۴-۱۳۲۷ق. دارد.

۱. نهاد پارلمان و تجربه ایرانیان

پارلمان در تعریفی کلی شامل اعضای منتخب از میان ترکیب‌های مختلف اجتماعی و جنسیتی شهروندان می‌شود که مشروعیت خود را از اکثریت آرای شهروندان به دست می‌آورند؛ کارکرد انحصاری آن‌ها، قانون‌گذاری با کسب اکثریت آرا و نظارت بر اجرای آن و تصویب بودجه است (بشیریه، ۱۳۹۹: ۳۵۲). یک‌سوم پارلمان‌های امروزی، دو مجلسی هستند که مجلس منتخب مردم در کنار مجلسی از اعضای غیر منتخب به تصمیم‌گیری می‌پردازد (همان: ۳۵۲). عوامل متعددی چون افزایش سفرهای دیپلماتیک و تجاری و تحصیلی و ازدیاد ترجمه‌ها به‌ویژه کتب سیاسی در دوره ناصری، توجه‌ها را به ضرورت اصلاحات ساختار اداری- سیاسی با بهره‌گیری از مفاهیم و نهادهای نوین نه‌تنها معطوف که اجتناب‌ناپذیر می‌کنند.

پیشنهادها در دورهٔ ناصری به دلیل ملاحظه ساختار قدرت، یا گزینشی مطرح می‌شد یا برای پذیرش به تطبیق سازی مفاهیم نوین غربی با آموزه‌های آشنای دینی تلاش می‌شد. نمونه بارز آن‌ها، میرزا ملکم با گزینش مفهوم تفکیک قوا بود که برای اصلاح و انتظام اداره کشور سعی داشت، مجلس مقننه‌ای در حدود همان سیستم پادشاهی مطلق پیشنهاد دهد (ملکم خان، ۱۳۸۱: ۳۲) مستشارالدوله نیز در ذکر قانون اساسی فرانسه از «حریت سیاسی» به معنای آزادی مردم در ورود به عرصه تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تقنین به‌واسطه «دیوان وکلای ملت» یاد می‌کند که آن را با آیه ۳۸ سوره الشوری «و امرهم شوری بینهم» معادل‌سازی می‌کند (مستشارالدوله، ۱۳۶۴: ۳۶) هرچند چنین رویکردهای نوینی در دوره ناصری منجر به تأسیس مجلس دربار اعظم در دوره سپه‌سالار شد، اما ناتمام و شکست‌خورده باقی ماند (کاشانی، ۱۳۶۲: ۱۴) و تجربه عملی پارلمان به برپایی مجلس شورای ملی در دوره مظفری موکول شد.

با مرور وقایع منتهی به تأسیس شورای ملی می‌توان چالش‌هایی در چیستی کارکرد و اعضای آن دید. ایده «مجلسی که به کارهای مملکت رسیدگی نماید» پیش از وقایع هجرت

صغری و در کنار عدالت‌خانه مطرح شد (کرمانی، ۱۳۵۷: ۲۵۹). اما عدالت‌خانه با ویژگی عمده تساوی همگان در برابر قانونِ برآمده از شرع پیروز میدان شد (همان: ۳۶۶). پس از بازگشت علما از حرم عبدالعظیم، سید جمال‌الدین واعظ مقصود را مطالبه «مجلس شورا» ذکر می‌کند، اما سید عبدالله بهبهانی پاسخ می‌دهد «این لفظ هنوز زود است و به زبان نیاورید، فقط به همان لفظ عدالت‌خانه اکتفا کنید تا زمانش برسد» (همان: ۳۷۳). سید محمد طباطبایی پیش از وقایع هجرت کبری در نامه‌ای به عین‌الدوله مقصد اصلی را «دیوانخانه عدلیه» نمی‌دانست، بلکه «مجلس ملتی به‌قدر استعداد مملکت و اقتضای زمان» مطرح می‌کند (کاشانی، ۱۳۶۲: ۶۲). با این حال، خاطره ماهیت دادرسی عدالت‌خانه بر مجلس شورای ملی نیز سایه افکند؛ به‌طوری‌که در مذاکرات اولیه مجلس دیده می‌شود، مردم انتظار رسیدگی به عرایض را داشتند و در مقابل، نمایندگان سعی می‌کردند تا ماهیت مجلس را جدا از امور اجرایی و قضایی، صرفاً قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین معرفی کنند (مجلس، ۱۳۲۵ق.، ۱، ۶۳: ۱؛ همان، ۱۳۲۵ق.، ۱، ۷۴: ۱). تا اینکه در متمم قانون اساسی، تفکیک کارکردها مشخص‌تر می‌شود؛ مجلس شورای ملی در کنار مجلس سنا و شاه و مجتهدین – برای انطباق مصوبات با احکام شرع در روند تقنین– به‌عنوان قوای مقننه شناخته می‌شوند که استقلال در تقنین و نظارت بر قوه مجریه یعنی شاه و وزرا و حکام را داشتند (*کتاب نارنجی*، ۱۳۶۷: ۴۶). سید حسن تقی زاده یکی از نمایندگان، سازوکار این مجلس را با پیروی کردن از شور و عدل توصیه‌شده در شریعت متفاوت می‌دانست (کرمانی، ۱۳۵۷: ۳۰). درحالی‌که به گفته یکی از پژوهشگران، واژه شور می‌توانست موجب کژتابی مفهومی شود، زیرا در یک حکومت مطلقه مستبد نیز مشورت کردن می‌تواند جاری شود (حائری، ۱۳۴۶: ۳۶). علاوه بر کارکرد، در ماهیت اعضا نیز چالش‌هایی وجود داشت. در متن فرمان تأسیس مجلس در ۱۴ جمادی‌الثانی ۱۳۲۴ق. اعضا منتخبانی از شاهزادگان، اعیان، علما، اشراف، ملاکین، تجار و اصناف بودند (کرمانی، ۱۳۵۷: ۵۶۴). در نظام‌نامه انتخابات ۲۰ رجب، فلاحین نیز اضافه می‌شوند (همان: ۶۰۲). حال به سراغ حکمت و *چهره‌نما* باید رفت که در زمانه افتتاح مجلس چیستی آن را چگونه فهم کردند و در زمان منحل شدن، مدافع چه ویژگی‌هایی بودند.

۲. معرفی دو نشریهٔ حکمت و چهره‌نما

حکمت و *چهره‌نما* تنها نشریات فارسی ایرانی فعال برای مهاجرین ایرانی در کشورهای عربی در سال‌های ۱۳۲۴–۱۳۲۷ق. بودند که در کنار نشریات فارسی و غیرفارسی برون‌مرزی دیگری در هند، قفقاز، عثمانی و اروپا، وقایع افتتاح مجلس و به توپ بسته شدن آن و مبارزات برای برپایی مجدد آن را پوشش می‌داد (پروین، ۱۳۷۹: ۶۹۴)[۱]. مدیریت نشریه *حکمت* از طریق میرزا رضا حکیم (بنان‌الملک) کنسول ایران در قاهره به میرزا محمدمهدی تبریزی سپرده شد (پروین، ۱۳۷۷: ۳۲۲). تبریزی از تحصیل‌کردگان رشته پزشکی در تبریز و سپس، در اسلامبول بود؛ در آنجا بود که با روزنامه اختر آشنا شد و همکاری داشت و درنهایت، در سال ۱۳۰۹ق. راهی قاهره شد (همان: ۳۲۲). نشریه در سال ۱۳۱۰ تأسیس شد و تا ۱۵ربیع‌الاول ۱۳۲۹ق. ادامه یافت (*حکمت*، ۱۳۲۹ق.، ۱۹، ۹۶۹: ۱). این آخرین شماره محسوب می‌شود (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۲۲۸). *چهره‌نما* در سال ۱۳۲۲ق. ابتدا در اسکندریه تأسیس شد، اما در سال ۱۳۲۳ق. به دلیل آتش‌سوزی دفتر به قاهره منتقل شد (*چهره‌نما*، ۱۳۲۳ق.، ۲، ۲۷: ۱). مدیر نشریه میرزا عبدالمحمد ایرانی ملقب به مؤدب‌السلطان، فردی از طبقه تجار (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۵۶: ۴) و نیز از اروپادیدگان بود (صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۹۷). پس از فوت در سال ۱۳۱۴خ.، مدیریت نشریه توسط فرزندش منوچهر مؤدب‌زاده تا اسفند ۱۳۳۸خ. تداوم یافت (پروین، ۱۳۷۹: ۴۶۱؛ صدرهاشمی، ۱۳۶۳: ۱۹۸).

در *چهره‌نما* و *حکمت* از زمان صدور فرمان مشروطه، حمایت از جریان نوین دیده می‌شود. این حمایت در زمان استبداد صغیر نیز ادامه داشت؛ به‌طوری‌که مدیران هر دو نه‌تنها به جبهه مقاومت در تبریز جلب کمک مالی می‌کردند که همراهی عقیدتی نیز داشتند (*حکمت*، ۱۳۲۶ق.، ۱۷، ۹۲۱: ۱۱؛ *چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۲: ۸). ابتدا باید از درک آن‌ها از پارلمان آغاز کرد، زیرا مجلس شورای ملی نیز با همان مختصات پارلمان تعریف می‌شد.

---

۱. باید از روزنامهٔ *مظفریه* بوشهر در مکه نیز یاد کرد. این روزنامه به‌دلیل پایان یافتن استبداد صغیر، تنها به یک شماره اکتفا کرد و پس از آن به ایران بازگشت (پروین، ۱۳۷۹: ۶۹۴).

۳. پیشینه رویکرد دو نشریه به پارلمان در دورهٔ پیشامشروطه

پیش از ۱۳۲۴ق. در نشریه حکمت سه نمونه پارلمان گزارش شده‌است که عبارت‌اند از «مجلس شوری‌القوانین» در مصر که تبریزی آن را معادل پارلمنت می‌نامد و در باب ماهیت اعضا تنها از دو عضو قبطی و در باب اختیارات مجلس نیز به رأی رد دادن به لایحه دولت خبر می‌دهد (حکمت، ۱۳۱۷ق.، ۸، ۲۶۵: ۳). اعضای «مجلس نواب» یا «تشریعیه» ترانسوال با جزئیاتی شامل پروتستان‌های بومی بالای۳۰ سال و ارباب املاک بدون محکومیت قضایی تشریح می‌شود؛ ولی کارکرد مسکوت می‌ماند (حکمت، ۱۳۱۷ق.، ۸، ۲۷۹: ۶). تبریزی پیش از شرح مجلس نواب ژاپن از تحدید قدرت در نوگرایی ساختار سیاسی ژاپنی آغاز می‌کند که «حکم امپراتور» در ابتدا «استبدادی محض» بود، اما پس از قبول «حکومت منتظمه» به «حکم دستوری» مبدل می‌شود؛ سپس به دو مجلس اعیان و نواب پرداخته‌است که اعضای مجلس نواب توسط «عموم اهالی» انتخاب می‌شوند (حکمت، ۱۳۲۰ق.، ۱۱، ۸۳۵: ۳)؛ درباره کارکرد، به وزرا در پیشنهاد مطلب و عضویت نداشتن در مجلس اکتفا شده‌است (همان: ۴). مؤدب‌زاده نیز تنها از سلطنت مشروطه انگلیس یاد می‌کند که اداره امور براساس قانون اساسی و در «مجالس دارالمبعوثین» با منتخبینی از «امنا» و «وکلا» صورت می‌گیرد (*چهره‌نما*، ۱۳۲۲ق.، ۱، ۲: ۱۳). نکات مشترک دو نشریه در ابهام وظیفه پارلمان به‌ویژه در بحث تقنین است؛ دیگر آنکه هرچند ورود غیرمستقیم مردم شرح داده شده‌است، اما لحن خبری است و توصیه‌ای به مخاطب ایرانی در این خصوص نمی‌شود. صرفاً پیشنهاد عمده دو مدیر ضرورت ایجاد قانون در ایران برای نظم اداری–سیاسی بود (حکمت، ۱۳۱۶ق.، ۷، ۲۵۷: ۳؛ *چهره‌نما*، ۱۳۲۲ق.، ۱،۱: ۶). درحالی‌که در سال ۱۳۲۳ق. عمدتاً به دلیل تحولات روسیه در پی شکست از ژاپن، لحن خبری مبدل به توصیه‌ای اما محتاطانه می‌شود.

در هر دو نشریه از پارلمان روسی به‌عنوان محلی تمجید می‌شود که فرصتی توسط آن برای اتحاد و تعاون دولت و ملت فراهم شده‌است. اتفاق ملت با دولت در سرنوشت سیاسی، گزاره‌ای است که ذهن تبریزی را نسبت به پارلمان روسی مشغول کرده‌است؛ وی این اتفاق را مصداق عملی «و امرهم شوری بینهم» می‌بیند (حکمت،۱۳۲۳ق، ۱۴، ۸۶۵: ۱). همچنین،

پیش از ذکر این مطلب مبنی بر اینکه چنین تحولی مرهون رضایت قیصر به «تنازل سلطه مطلق خود» است (همان: ۳)، از توصیه پیامبر به مذمت استبداد رأی و به مدح مشورت به‌ویژه در «امر معاش و سیاست مدن» و ترقی فرنگ به دلیل عمل کردن به شورا می‌گوید (همان: ۲). بنابراین مانند مستشارالدوله، درصدد ایجاد مبنایی نظری از دلِ آموزه‌های دینی برای پذیرش چنین تحدید و توزیع قدرتی است. رد پای آن را نیز می‌توان در استفاده از مشتقات واژگان شورا و شرع، در شرح چیستی اعضا و عملکرد آن‌ها دید؛ تبریزی به نقل از امپراتور روسیه، اعضای منتخب ملت را «هیئت استشاری» می‌نامد (حکمت، ۱۳۲۳ق، ۱۳، ۸۵۸: ۲) که به «اعمال شوریه» در کنار هیئت‌حاکمه و امپراتور (همان: ۳) و «شوری و تشریع» می‌پردازند (همان: ۴). تبریزی به استناد خطابه امپراتور روسیه و قانون اساسی، شأن پارلمان را مختص در وضع «مشاریع قوانین» (همان: ۳) و «تقریر فصول میزانیه- بودجه-» ذکر می‌کند (همان: ۲). با وجود چنین تمجیدهایی، توصیهٔ تبریزی در خصوص این تحول به مخاطب ایرانی، اطاعت محض به اولی‌الامر یعنی پادشاه است (حکمت، ۱۳۲۳ق.، ۱۳، ۸۵۵: ۶). در *چهره‌نما* واکنشی همانند حکمت دیده می‌شود. مؤدب‌زاده نیز، پارلمان روسی را عامل ترقی به‌وسیله ایجاد اتحاد معنوی میان دولت و ملت ذیل آیه «و امرهم شوری بینهم معرفی» می‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۲، ۴۴: ۲)، اما در قبال خوانندهٔ ایرانی همچون تبریزی توصیه‌ای محتاطانه داشت.

حالت محتاطانهٔ مؤدب‌زاده برخلاف تبریزی در خصوص اخبار مربوط به هجرت صغری رخ می‌دهد. وی عدالت‌خانه را مشابه پارلمان توصیف می‌کند[1]؛ چنین نقل می‌کند که امر به احداث «مجلس عدلیه‌ای» شد که اعضایش منتخبینی از هر صنف هستند و اختیاراتشان به اجرای قوانین و تصمیم‌گیری در امور بر اساس کثرت آرای منتخبین است، اما ریاست مطلقه

۱. ظاهراً علت این تفاوت را باید در منابع خبری مورداستناد مؤدب‌زاده در نظر گرفت؛ وی منابع خبری خود درباره هجرت صغری را ترکیبی از گزارش‌های وقایع‌نگاران در تهران و جراید اروپایی چون تلگراف‌های «روتر هاوس» یاد می‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۳ه ق، ۲، ۳۵: ۲). عدم ذکر ماهیت قضایی عدالتخانه تنها مختص به مؤدب‌زاده نبود و اظهارات سفارت انگلیس و روسیه درباره نتیجه این واقعه نیز چنین است. به نقل از *کتاب آبی*، شاه اجازه می‌دهد تا ملت از طرف خود نماینده‌ای به عدلیه و سایر ادارات بفرستند (*کتاب آبی*، ۱۳۶۳: ۵). در روایت *کتاب نارنجی* نیز، مظفرالدین شاه در ذی‌القعده ۱۳۲۳ق. به تأسیس «عدالتخانه» مبادرت می‌کند «تا منتخبین مردم از سراسر کشور در آن گرد آیند و به اداره امور مملکت و شیوه کار سازمان دولت نظارت کنند» (*کتاب نارنجی*، ۱۳۶۷: ۱۵).

آن با پادشاه است (*چهره‌نما*، ۱۳۲۳ق.، ۲، ۳۴: ۲). در ادامه، این واقعه را همسنگ تجاربی در انگلستان و فرانسه و روسیه قرار می‌دهد (همان: ۵). سپس به شرح مجلس مبعوثان در دُوَل متمدنه می‌پردازد که رأی ملت به‌واسطهٔ منتخبین آن‌ها در «مجلس مبعوثان» و در کنار مجلس سینات به «مشاوره» مسائل داخلی و خارجی درمی‌آید؛ سپس یک «قوه مجریه عادله عامله» که عبارت از «هیئت‌حاکمه دولت» آن رأی را به اجرا درمی‌آورد که شامل پادشاه، امپراتور، یا رئیس‌جمهور با یازده وزیر می‌شود (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق، ۲، ۳۵: ۳). هرچند مؤدب‌زاده منکر ورود رأی غیرمستقیم مردم نمی‌شود، اما زمانی که مجلس مبعوثان در نظام سیاسی جمهوری و پارلمان در دول مشروطه را مقایسه می‌کند، قوت پارلمان را از این جهت بیشتر می‌بیند که اعضای آن از خبرگان سیاسی و علمی تشکیل می‌شود؛ درحالی‌که اعضای مجلس مبعوثان نظام جمهوری که ملت از میان خود انتخاب کرده‌اند، دایرهٔ معلوماتشان فراتر از میزان تحصیل و معیشت بیشتر نمی‌رود (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۲، ۳۶: ۲) و برای امور ملت و دولت در ایران از مظفرالدین شاه «مجلس عاقل عادل عالم سیاسی» طلب می‌کند (همان: ۳). بنابراین هر دو نشریه تا سال ۱۳۲۳ق. با وجود آگاهی از ماهیت اعضای پارلمان و تفکیک قوا و استقلال در تقنین، هیچ‌گاه مروج چنین نهادی برای ایران نبودند، اما در سال ۱۳۲۴ق. فرمان تأسیس مجلس شورای ملی نقطه‌عطف مهمی در تبدیل سنت مناسبات تک‌سویهٔ حاکم و محکوم در قدرت سیاسی به توزیع دوسویه قدرت میان حاکم و محکوم بود؛ به عبارتی مجلس نقشی مؤثر در گذر شکل ساختار راعی مسلط بر همهٔ جوانب قدرت و رعیت مطیع، به دولت و ملت قانون‌گذار ایفا کرد (سوری و ملایی توانی، ۱۴۰۳: ۵۷)

٤. مجلس شورای ملی در نشریه‌های حکمت و چهره‌نما ۱۳۲٤-۱۳۲٦ق.

٤.١. اعضا

در ابتدا باید از چگونگی تبیین ورود غیرمستقیم مردم در امر سیاسی به‌واسطهٔ مجلس در خلال دیدگاه‌های ثبت‌شده در *حکمت* آغاز کرد. دو قول متفاوت از مظفرالدین شاه نقل شده‌است؛ یکی اوایل وقایع هجرت کبری، مظفرالدین شاه ایجاد عدالت‌خانه، وزارت‌خانه‌ها و مجلس وزرا را برای ترقی دولت و ملت کافی ندانسته و ترقی واقعی را در محدود کردن و پایبند کردن «اختیارات ملوکانه» خود و نیز «نفوذ تامه» صاحبان امر اعلام می‌کند (*حکمت*،

۱۳۲۴ق.،۱۴، ۸۷۲: ۱۰)، اما پس از آن با وجود تمجید از افتتاح مجلس، به‌عنوان محلی برای اتحاد دولت و ملت در امور دولتی و مملکتی، همچنان بر سر سنت مناسبات یک‌طرفهٔ حاکم و محکوم در قدرت و به یادآوری حدود فرمان‌بری برای رعایا تأکید می‌کند (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۶: ۹). در مقابل وکلای مجلس و گروه سوسیالیست‌های ایرانی بر سلطهٔ مجلس بر شاه تأکید داشتند. طی مصاحبه‌ای در روزنامه تان فرانسه از دو ایرانی، کشمکشی میان دو گروه از نواب گزارش شده‌است که یکی «احرار» و دیگری «محافظ یعنی طرفدار استبداد حکومت» خطاب می‌شوند. نماینده محافظه‌کار بر این باور بود که مجلس باید سلطه شاه را افزایش دهد و سلطنت او را «مقید و محصور» نکند، اما همه نواب مخالفت می‌کنند (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۸: ۱۱). در لایحهٔ سوسیالیست‌های ایرانی در تفلیس، تأسیس «مجلس نیابی» و انتخاب نماینده از میان همه ایرانیان از «فقرا، اغنیاء، شهری، دهی و کارگر بدون تمییز» حقی مشترک یاد می‌شود (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۵، ۸۸۲: ۱۰). تبریزی نیز شرط اول سهیم بودن در سرنوشت وطن و اتفاق میان دولت و ملت را «آزادی ملت از حکم مطلقه و وضع مجلس شورای ملی و وضع قانون اساسی» تأکید می‌کند (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۸۰: ۳). بنابراین می‌توان بحث‌هایی درباره تحدید قدرت در نشریه دید که حول محور خبر افتتاح مجلس متمرکز شده‌است و حاکی از چالش در پذیرش ورود غیرمستقیم مردم در امر سیاسی دارد. به همین دلیل، تبریزی همانند سال‌های قبل از ۱۳۲۳ق. در تعریف پارلمان چنین ورودی را به توصیه مطلوب دینی مشورت کردن معادل‌سازی می‌کند.

به باور تبریزی مجلس شورای ملی پیامد عمل به «امرهم شوری بینهم» و «شاورهم بالامر» است (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۳: ۱۵). وی یکی از عناوینی که برای مشروطه شدن و تأسیس مجلس به کار می‌برد، «حکومت شوروی» است (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۴، ۸۷۲: ۱۱). در مقاله‌ای دیگر، این عنوان را برای دولت انگلیس تکرار (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۳: ۲) و همچنین برای دول مشروطه نیز عنوان «ممالک شورویه» را استفاده می‌کند (حکمت،۱۳۲۵ق.، ۱۶، ۹۰۲: ۸). در جایی دیگر، گشایش مجلس به‌مثابهٔ تبدیل «حکم مطلق به حکم شوروی» تلقی می‌شود (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۶: ۶). چنین کاربردی از واژه شورا توسط تبریزی موجب می‌شود تا ورود گروه‌های مختلف اجتماعی در قالب اعضا را

موجه جلوه دهد. بنابراین، در باب ماهیت اعضا در نشریه هر صنف، طبقه و حتی مذهب به‌واسطهٔ مجلس در امور مملکت سهیم شناخته می‌شوند (همان: ۱۱). تبریزی «ملت نجیبهٔ زرتشتی» را «برادران یک وطن و همه بستگان یک خاک» به شمار می‌آورد که تفاوت در کیش و مذهب نمی‌تواند آن‌ها را از «حقوق وحدت وطنیت» محروم کند، بنابراین آن‌ها در «حقوق وطنی» با مسلمانان برابر می‌کند[۱] (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۶، ۸۹۳: ۲). ضمن بیان نحوه انتخاب نماینده از زرتشتیان و «طایفه ارامنه و یهود» (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۷: ۴)، شرایطی نیز برای کاندید شدن بیان می‌کند که عبارت‌اند از صاحب املاکی بالاتر از هزار تومان است (همان: ۷). *چهره‌نما* نیز در تبیین ورود مردم با حکمت همپوشانی نظری دارد.

اگر مؤدب‌زاده پیش از مشروطه، مجلسی را محل توجه قرار می‌داد که نخبگان سیاسی حضور غالب دارند، حال، ضرورت حضور غیرمستقیم مردمی از طبقات غیر از نخبگان مذکور در قدرت سیاسی به‌ویژه در تقنین را گوشزد می‌کند. بنابراین از ادعای پیشین خود عقب‌نشینی و تأکید می‌کند که اعضای مجلس شورای ملی نباید تنها «منحصر به جمعی دارندگان و صاحب‌منصب باشد»، بلکه «چنانچه در خارجه رسم است» باید از «طبقات رعیت و رنج‌کش ملت» باشند، زیرا آن‌ها به آرا و نیازهای ستمدیدگان اشراف دارند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۱: ۲). مانند لایحهٔ سوسیالیست‌های ایرانی، مؤدب‌زاده نیز در ذکر مرام‌نامهٔ حقوق طبیعی[۲] شرکت در تقنین شخصاً و یا به‌وسیله نمایندگان را حقی برای عموم یاد می‌کند (همان: ۳). در *چهره‌نما* نیز توسل به همان گفتمان نشریه حکمت دیده می‌شود که مجلس محل اتحاد و مشورت دولت و ملت قلمداد می‌شود. به عقیده وکیل *چهره‌نما* در انزلی، این مجلس محلی برای مشورت است (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۳: ۷). یا خواننده‌ای از اصفهان انعقاد مجلس را به‌موجب اتفاق میان رعیت و دولت و به نقل از یکی از روحانیون،

۱. در این متن می‌توان رویکردی دوگانه به واژهٔ ملت دید؛ از طرفی به معنای مرسوم قدیمی آن، پیروان ادیان و از طرفی دیگر، جمعی که در سرنوشت محل جغرافیایی مشترک خود را دخیل می‌دانند به‌ویژه در امر تقنین (داوری، ۱۳۶۵: ۴۰). رویکرد اخیر قبلاً در دیدگاه تبریزی دربارهٔ مجلس دوما گفته شد که از ملتی یاد می‌کند که در سرنوشت اداری- سیاسی مملکت و تقنین با امپراتور شریک است و از رعیتی بی‌اختیار به ملتی قانون‌گذار تحول یافته‌است.

۲. مؤدب‌زاده در شماره‌های ۵۱ و ۵۲ به ذکر قوانین حقوق بشر تحت عنوان مرام‌نامهٔ حقوق طبیعی پرداخته است و چنین می‌نگارد که تمامی مجالس دارالشورای ملی دُول متمدنه در حفظ آن حقوق، خود را موظف می‌دانند؛ این حقوق نام‌برده را می‌توان در سه وجه سیاسی، اجتماعی و قضایی تقسیم کرد (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۱: ۲-۳؛ *چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۲: ۲)

این مجلس را از فواید مشورت کردن ذکر می‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۴: ۱۴). پس از بررسی ماهیت اعضا و پشتوانه نظری پذیرش آن‌ها، باید به سراغ فهم دو نشریه از اختیارات مجلس رفت.

۲.٤. مجلس مظهر عدالت به‌وسیلهٔ نظارت مالی

پیش از مشروطه هردو نشریه منتقد سوءاستفاده کارگزاران حکومتی از قدرت در برابر جان و مال مردم بودند و راه‌حل جلوگیری تعدی‌ها را اغلب تدوین قاعده و قانون مطرح می‌کردند تا بدین وسیله حدود وظائف مشخص شود (حکمت، ۱۳۱۵ق.، ۶، ۲: ۲۴۴؛ همان، ۱۳۱۷ق.، ۸، ۲: ۲۷۷؛ *چهره‌نما*، ۱۳۲۲ق.، ۱، ۱: ۶). غالباً این تعدی‌ها حول محور اخذ مالیات‌ها عنوان می‌شد (حکمت، ۱۳۲۰ق.، ۱۰، ۲ ۸۳۴: ۲؛ *چهره‌نما*، ۱۳۲۲ق.، ۱، ۷: ۵) بنابراین دو نشریه پس از تأسیس مجلس، این نهاد را ابزار جلوگیری از آن نوع تعدی‌ها معرفی می‌کردند. بنابراین، مجلس با چنین کارکردی مظهر عدالت شناخته می‌شد. تبریزی تأسیس مجلس را «مقدمهٔ استقلال دولت و ملت» می‌دانست، زیرا مانع غرق شدن کشور در گرداب قروض خارجه و بی‌عدالتی در امر اخذ مالیات‌ها می‌شود، بدین طریق که وکلای ملت با تعدیل و اصلاح امر مالیات، از فساد مالی ناشی از سوءاستفاده‌های کارگزاران حکومتی از امتیازها و قروض خارجه و همچنین از ظلم‌ها در سیستم مالیات گیری پیشین جلوگیری می‌کنند (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۶: ۱۱). تبریزی یکی از شاهکارهای وکلا را کوتاه کردن دست ستمکاران از جان و مال مردم و ایجاد حدود در اخذ مالیات می‌دانست (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۵، ۸۸۴: ۲). نیز اضافه می‌کند که به درخواست‌های نمایندگان آذربایجان حکام نباید در امور مالیات بلاد دخالت کنند و این امر باید به عهدهٔ مجلس باشد (همان: ۱۰). اهمیت مجلس از منظر علمای نجف نیز در حدود نشر عدالت با همان معنای جلوگیری از تعدی به جان و مال مسلمین تعبیر می‌شد (همان: ۵؛ حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۶، ۸۹۷: ۱۱). عبدالله مازندرانی از آن جهت که مقصود اصلی انعقاد مجلس شورا را حفظ حقوق بندگان و حدود دولت و جلوگیری از نشر ظلم ذکر می‌کند، وجود مجلس را به‌مثابهٔ نهی از منکر لازم می‌بیند (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۵، ۸۹۱: ۷). در ذکر مذاکرات مجلس نیز، این نهاد ناظر بر دخل‌وخرج دولت برای جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی معرفی می‌شود. برای نمونه

معین‌التجار بوشهری در پی ممانعت از قرض دوباره خارجی، از دولت ارائه ریز خرج و دخل سه‌ساله خود را به مجلس می‌خواهد تا بدین وسیله وجوه واقعی قروض و دزدی‌ها بررسی شود (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۸۰: ۷).

مؤدب‌زاده در ذکر مرام‌نامهٔ مذکور حقوق طبیعی بشر، از حق همهٔ افراد ملت یا شخصاً یا توسط نماینده در آگاهی یافتن از مالیات عمومی و چگونگی مصرف آن و همچنین، حق نظارت بر صورت‌حساب مخارج تمامی دوایر دولتی یاد می‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۲: ۲). بنابراین در دو نشریه مسئولیت نظارت مالی و حقوقی بر دوش اعضای مجلس تصور می‌شد. علاوه بر آن، تأکید بر تقنین و استقلال در آن یکی دیگر از اختیاراتِ برشمرده‌شده برای مجلس شورای ملی بود.

۳.٤. کارکرد تقنین و نظارت در اجرای قوانین

حکمت از همان ابتدای پوشش خبری وقایع هجرت کبری به اختیار انحصاری مجلس در قانون‌گذاری می‌پردازد. وی یکی از مطالبات متحصنین حرم حضرت معصومه را «مجلس شورایی» عنوان می‌کند که اعضایش منتخبینی از علما، اصحاب معارف و ارباب صنایع و دیگر اصناف رعایاست که «هر آنچه که این مجلس مقرر نماید آن قرار (قانون) شده و حکومت مطیع آن قانون گردد» و «وزراء و مأمورین» در مقابل مجلس مسئول باشند، اعضای مجلس نیز قادر به عزل آن‌ها پس از تصدیق پادشاه هستند (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۳: ۳). هنگامی‌که تبریزی دربارهٔ کیفیت روند تصمیم تا اجرا در مجلس توضیح می‌دهد، می‌توان به‌وضوح مشاهده کرد صرفاً به شرح جزئیات نمی‌پردازد، بلکه جایگاه مستقل مجلسیان در تقنین در برابر شاه، وزراء و مأمورین را نیز مدنظر دارد. وی در مثالی شرح می‌دهد که موضوعاتی چون کم‌آبی اگر توسط یکی از نمایندگان مطرح شود، ابتدا در مجلس بحث و سپس، به مجلس اعیان سپرده می‌شود (همان: ۷)؛ درنهایت، موضوع بررسی‌شده در مجلس وزرا برای اجرا به وزیر مربوطه انتقال داده می‌شود (همان: ۸). در باب ماهیت مجلس اعیان در این متن تنها به این بسنده می‌شود که واسطه میان دو مجلس

شورای ملی و وزرا است[۱] (همان: ۸). در متنی دیگر که روند تقنین را از مطرح شدن موضوعات در مجلس وزرا پیگیری می‌کند، مجدد تصریح می‌گردد که مجلس وزرا در مقابل مجلس شورا و اعیان از جایگاه قانون‌گذاری برخوردار نیستند و تنها پیشنهاددهنده‌اند؛ به این ترتیب که وزرا در مجلس مخصوص خودشان مطلبی را شور و به اکثریت آرا تصدیق می‌کنند و به صدراعظم برای «شور و بحث» در مجلس شورای ملی می‌سپارند و پس از تصدیق در مجلس شورا، صدراعظم آن را برای تأیید نهایی نزد پادشاه می‌برد و سپس، برای اجرایی شدن به وزیر مربوطه محول می‌کند. دغدغه تبریزی در استقلال مجلس در تقنین و نظارت بر اجرای قوانین برای مجلس را می‌توان در انتقاد وی از نظام‌نامهٔ انتخابات نیز دید که وظیفهٔ ارزیابی عملکرد اجرایی وزرا در آن، مجهول مانده‌است (حکمت، ۱۳۲۴ق.، ۱۵، ۸۷۶: ۷). چنین تصدیقی در انحصار قانون‌گذاری از جانب وکلا نیز تأکید می‌شود.

گزارش‌هایی از مجلس درج می‌شود که کشمکش اهالی مقننه برای اجرای قوانین را نشان می‌دهد. در میانهٔ کارشکنی‌های شاه و دربار علیه مجلس، وکلا چنین اظهار داشتند که اساس مشروطیت و تأسیس مجلس برای اشاعه عدل و استقرار نظم و اصلاح مملکت است، اما این انتظارات برآورده نخواهد شد تا زمانی که اجرای قوانین صورت نگیرد (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۶، ۸۹۵:۴) همین دغدغه اجرای قوانین، وکلا را وادار می‌کند تا در خطابه‌ای، دیدار محمدعلی شاه از مجلسیان را به پیوستن «روح اجرا به کالبد قانون» تعبیر و وظیفه اجرایی شدن قوانین را به وی گوشزد کنند: «انشاء راه متابعت تأیید اجراییت است. با قوانین مقدسه حاصل نشود مگر آنکه اصل اصیل قوه مجریه به نفس نفیس ملوکانه توجه خاص و مراقبت بالاخص مبذول فرمایند که تا قوانین اساسی مملکت به درجهٔ اجراء برسد» (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۶، ۹۰۱: ۳).

در صورت تلگراف از مجلس شورای ملی به عموم انجمن‌های ولایات، وکلا از خلط وظایف شکایت می‌کنند و انجمن‌ها را نه دارای وظیفه تقنین و نه اجرا و نه حق حکومت می‌دانستند و عنوان می‌کنند که قانون‌گذاری متعلق به مجلس است: «فقط اسم مشروطیت

۱. *چهره‌نما* نیز همانند حکمت نکته‌ای دربارهٔ مجلس سنا یا اعیان اضافه نمی‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق، ۳، ۵۲: ۳).

دردی را دوا نمی‌کند. باید مجلس شورای ملی که قوه مقننه است، بصیر و تأمل و سلامت فکر و دقت قوانین لازم را که مایه سعادت ابدی مملکت تواند بود، وضع و هیئت دولت که قوه اجرائیه است به ترتیبات صحیحه به موقع اجرا گذارد» (حکمت، ۱۳۲۵ق.، ۱۵، ۸۷۷: ۱۰).

مؤدب‌زاده تقنین را حق ویژهٔ مردم و نمایندگان آن‌ها می‌پندارد و ایجاد قوانین را در حدود اختیارات مجلس شورای ملی ذکر می‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق.، ۳، ۵۱: ۳). تفاوت دول مشروطه و دول مطلقه را در دخیل بودن غیرمستقیم مردم در امر قانون‌گذاری برجسته می‌کند. وی ادارهٔ مملکت را به‌وسیلهٔ دو مجلس اعیان و مبعوثین ذکر و تأکید می‌کند که حتی اگر قانونی در دول مطلقه رواج داشته باشد، این قانون «مخلوط به اغراض متنفذین دولت و هواداران سلطنت و چند نفر وزرای بی‌دانش است که همه نزد پادشاه مسئول می‌باشند و اختیار جان و مال تبعه در قبضه اقتدار پادشاه یا صدراعظم یا حاکم حتی کدخدای هر قریه است» (*چهره‌نما*، ۱۳۲۴ق، ۳، ۵۲: ۳).

۵. حمایت از مجلس شورای ملی به‌عنوان قوه مقننه

تبریزی دلایل مشروعیت مجلس را تأیید علما و در واقعهٔ مشروطه شدن دوباره عثمانی ذکر می‌کند؛ به این ترتیب که اگر مجلس خلاف شرع است، چرا سلطان عثمانی مجدد مبادرت به ایجاد آن کرده‌است (حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۶، ۹۱۶ : ۸)، یا چرا علمای نجف آن را تصدیق کردند (حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۷، ۹۲۰: ۲) و بر مبنای فتواهای علمای نجف، مجلس را حافظ استقلال سلطنت و ایرانیان در مقابل خارجه به‌ویژه روسیه ذکر می‌کند (حکمت، *۱۳۲۶ق.*، ۱۷، ۹۲۴: ۲)، اما تبریزی از ذکر تحدید قدرت در دفاع از شأن مردمی قانون‌گذاری در مجلس حتی در این زمان پرهیز نمی‌کند.

پس از به توپ بسته شدن مجلس، وی مقاومت محمدعلی شاه بر سر استبداد را با مثالی از وقایع مشروطه‌خواهی در عثمانی[1] نقد می‌کند؛ تبریزی علت شکست مشروطه اول را

۱. عثمانی دو دورهٔ تجربهٔ برقراری مشروطه، قانون اساسی و پارلمان داشت. یکی در ۱۸۷۶م. بود که سلطان عبدالحمید دوم با وجود قول‌های اولیه، مشروطه را پس از تثبیت قدرت حکومت، نفی و مجلس را تعطیل می‌کند و غالب مشروطه‌خواهان تبعید یا به مرگ مجازات می‌شوند، اما دوباره در ۱۹۰۸م. انقلابی دیگر تحت فشار ترکان جوان رخ می‌دهد و دوباره همان قانون اساسی ۱۸۷۶م. و پارلمان به‌وسیلهٔ عبدالحمید دوم برقرار می‌شود (حضرتی، ۱۳۸۸: ۳۴).

اصرار سلطان بر ماندگاری «سلطهٔ مطلقه» خود در مقابل مجلس مبعوثان می‌دانست که درنهایت، سلطان تسلیم خواستهٔ اعضای انجمن حزب ترکان جوان مبنی بر اعادهٔ مجلس می‌شود (حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۶، ۹۱۵: ۳). به عبارتی دیگر، وی با ذکر تجربهٔ عثمانی، درصدد گوشزد عاقبت عدم تحدید قدرت و توزیع آن با مبعوثان به محمدعلی شاه بود. تبریزی در جواب مکتوب فردی که معتقد بود منحل شدن مجلس از سر آماده نبودن جامعهٔ ایرانی است و باید تنها به حکومت بر پایهٔ قانون بسنده کرد، از لزوم عاملیت غیرمستقیم مردم در قانون‌گذاری دفاع می‌کند و حکومت صرفاً دارای قانون را کافی نمی‌بیند، زیرا در حکومت مطلقه هرچند قانونی، افسار تقنین در دست سلطان و حکام و والیانی است که فعال مایشا هستند (حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۶، ۹۱۴: ۸). چنین دیدگاهی را می‌توان در واکنش‌های تبریزی و دیگران درخصوص مجلس مطلوب محمدعلی شاه[۱] نیز دنبال کرد.

انتقاد مدیر به خبر مجلس نام‌برده بر سر نه‌تنها ماهیت اعضا که اختیارات نیز صورت گرفت. نقد اولیه بر ترکیب اجتماعی اعضا صورت گرفت؛ تبریزی با اعتراض به اینکه «بر چه اساسی و قانونی به انتخاب اعضا پرداخته می‌شود؟» (حکمت، ۱۳۲۶ق.،۱۷، ۹۲۰: ۲)، به‌دنبال باطل کردن متمرکز شدن انتخاب اعضا در دست محمدعلی شاه از میان افراد خاص بود. به گفتهٔ مخبر تایمز، اکثریت اعضا قرار بود به انتخاب شاه و اقلیتی از طرف ملاکین بزرگ انتخاب بشوند و تبریزی در واکنشی غیرمستقیم، از واگذاری و انتقال سلطهٔ سلطان عثمانی به مجلس مبعوثان و وزرا تمجید می‌کند (حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۷، ۹۲۱: ۹). یا از تأسیس پارلمان بلغارستان در ۱۸۸۹م. یاد می‌کند که اعضای آن به «آواز عمومی» منتخب می‌شوند و امیر بلغارستان باید بر جمیع قوانین معین‌شده در مجلس شورا موافقت کند (حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۷، ۹۲۲ :۱۳). نظر مخبرین نیز در خصوص مجلس مزبور با مدیر همسو بود. خبرنگاری درباره تدوین نظام‌نامه برای این مجلس نظری منفی داشت، زیرا

۱. محمدعلی شاه در اثر فشار مخالفان داخلی و خارجی چون انجمن‌های آزادی‌خواه، جبهه مقاومت تبریز فتواهای علمای نجف و پیگیری دولت انگلیس مجبور می‌شود تا وعدهٔ گشایش مجلس را بدهد، اما برخلاف مجلس شورای ملی، مجلس شورای مملکتی نهادی فرمایشی بود که اعضای آن عبارت‌اند از متنفذینی چون درباریان بلندپایه، اعیان و بازاریان و روحانیون طرفدار مشروعه که توسط شاه انتخاب شدند و قرار بود، زیر نظر وی بر امور دولت نظارت کنند (ملایی توانی، ۱۳۹۵: ۱۳۱). این دستخط در هر دو نشریه چاپ شد و موردانتقاد قرار گرفت (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۱: ۱۳؛ حکمت، ۱۳۲۶ق.، ۱۷، ۹۲۱: ۷).

توسط چند نفر مستبد مدون و به‌موجب آن «هر علقه و مضغه وکیل ملت می‌شود» (حکمت، ۱۳۲۷ق.، ۱۷، ۹۳۲: ۲). از طرفی دیگر، استقلال در تقنین موضوع دیگری بود که تبریزی و به‌ویژه جبههٔ مقاومت تبریز بر آن پافشاری داشتند. انجمن تبریز در جواب محمدعلی شاه که خود را همیشه در آرزوی ادارهٔ مشروطه و اعطای «قانون اساسی مشروع» معرفی می‌کند، این‌گونه از موضوعه بودن قانون نزد مجلس دفاع می‌کند که «عبارت قانون اساسی مشروع مبهم و مورث تفاسیر گوناگون است» و خواهان مجلس شورای ملی همچون «مجلس شورویه فرنگستان» هستند (*حکمت*، ۱۳۲۶ق.، ۱۷، ۹۱۹: ۱۲). مدیر حکمت بر این باور بود که اداره نمودن یک مملکت امکان نخواهد داشت، «مگر به تجزیه امور و تفکیک قوای مقننه و قضائیه و مجریه از همدیگر»، بنابراین آن را مقصد اصلی و منتهای آرزوی ملت عنوان می‌کند و تأسیس پارلمان صغری انجمن ایالتی تبریز به‌عنوان قوه مقننه را ستایش می‌کند که وظیفه «تأسیس قوانین» و ترتیب دوایر و نظارات در کلیه امور اجتماعی و اشتراکی و حفظ نظم ادارات قانونی را بر عهده گرفته بودند (حکمت، ۱۳۲۷ق.، ۱۷، ۹۲۷: ۲).

مؤدب‌زاده در دفاع از مشروعیت مجلس، دو موضوع را دستاویز ساخت؛ یکی به خطر افتادن استقلال وطن و جهان اسلام از نفوذ بیگانه بود که این موضوع به عقیده مدیر با وجود مجلس برطرف می‌شد (*چهره‌نما*،۱۳۲۶ق.، ۵، ۵۶: ۱۰). در این راستا، به یکی از تلگراف‌های علمای نجف اشاره می‌کند که با ذکر بندهای ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی مبنی برحق اختصاصی «پارلمنت ملت» در تأیید معاهده‌ها و اعطای امتیازها، از نفوذ و اختیارات دولت در این مورد، انتقاد می‌کنند[1] (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۳: ۵). در واکنش به افتتاح «دارالشورای عثمانی»، آن را «مظهر استقلال ملل شرق» و پناهگاه ملت عثمانیه در برابر حملات غرب خطاب می‌کند (همان: ۸). دستاویز دیگر، تأکید بر بی‌عدالتی در اثر انحلال مجلس بود. در ذکر تلگراف‌های علمای نجف ضمن آنکه آن‌ها مخالفت با مجلسیان را به‌مثابه اطاعت از یزید بن معاویه تلقی می‌کردند، همچنین اساس مشروطیت و مجلس را بر

۱. بندهای ۲۴ و ۲۵ قانون اساسی مجلس ناظر بر انحصار اختیار مجلس در نظارت بر عقد قراردادهای مربوط به اعطای امتیازات انحصاری در زمینه‌های بازرگانی، صنعتی و کشاورزی و استقراض دولتی به هر عنوانی چه داخله و خارجه است (کرمانی، ۱۳۵۷: ۴۱).

عدالت به معنای رفع ظلم و استبداد یاد می‌کنند و به این دلیل، آن را در منافات با مذهب اثنی‌عشریه نمی‌دیدند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۳: ۴). مؤدب‌زاده نیز در واکنش به دارالشورای عثمانی، آن را منتشرکننده فروغ حریت و عدالت مطرح می‌کند (همان: ۸). در *چهره‌نما* حمایت از تحدید قدرت سیاسی و جایگاه مردمی در تقنین دیده می‌شود.

مؤدب‌زاده با سرمشق قرار دادن انگلستان در مقاومت در برابر ظلم، از «هیئت جامعه» می‌گوید که برای تعیین حدود و حقوق تصمیم می‌گیرند تا «علمای دینی و رؤسای دنیوی به اکثریت آرای عموم ملت» به وضع قانون بر پایه شریعت و آیین ملت مبادرت ورزند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۱: ۲). در این متن قانون خاستگاهی ترکیبی از اکثریت آرای مردمی و برگرفته از شریعت دارد. در مقاله‌ای که صراحتاً از نظام پادشاهی مطلق انتقاد می‌کند، پادشاهان را «هیئت استبدادی» می‌نامد و قدرت آن‌ها را عاریتی و منبع برتری آن‌ها را بدون سبب مادی و معنوی می‌پنداشت که زمام مردم را همچون رمه گله بسته به میلشان هدایت می‌کنند، تا اینکه انگلستان در انتشار شعاع «عدل» و «مشارکت» پیش‌قدم می‌شود و بدین وسیله «رؤسای جسمانی و علمای روحانی» با توجه به مقتضیات عصر جدید بر پایهٔ کتب آسمانی قوانین را مدون می‌کنند و موجب می‌شوند تا شخص پادشاه را به‌وسیلهٔ اتفاق با ملت و متوسل شدن به «مشاورت» محدود و درنهایت «اساس سلطنت ظالمه مطلقه» مبدل به «اساس عدله مشروطه» کردند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۳: ۳). هرچند مؤدب‌زاده در این متون نامی از مجلس نمی‌برد، اما با یاد کردن از مشورت و اتفاق دولت و ملت و اختصاص تدوین قانون توسط آن‌ها می‌توان چنین در نظر گرفت که در حال یادآوری مختصات مجلس به‌ویژه شأن مردمی در تقنین است. وی در واکنش به دست‌خط محمدعلی شاه برای برپایی مجلس مطلوب خود، به حمایت عاملیت مردم در تصمیم‌گیری‌ها همچنان ادامه می‌دهد. وی ضمن ذکر عوام‌فریبانه بودن چنین مجلسی برای تداوم ظلم و فروش مملکت به خارجه (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۱: ۱۴؛ همان، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۳: ۴)، از ترکیب اعضا ایراد می‌گیرد که تنها به دست رجال دولتی است (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۶۱: ۱۴). نهایتاً در باب اختیارات دیگر مجلس، باید به گزارش وقایع‌نگار *چهره‌نما* از یزد اشاره کرد که از بی‌نتیجه ماندن اصلاح امور مالیاتی کسبه توسط مجلس پس از به توپ بسته شدن

افسوس می‌خورد (*چهره‌نما*، ۱۳۲۶ق.، ۵، ۵۹: ۸). پس از پایان استبداد صغیر، مؤدب‌زاده وکلای مجلس را ستایش و آن‌ها را مسببین اصلی انتظام مملکت به‌وسیلهٔ نظارت بر صحت عملکرد وزارت‌خانه‌ها معرفی می‌کند (*چهره‌نما*، ۱۳۲۷ق.، ۶، ۱۰: ۹).

نتیجه

مجلس شورای ملی تجربهٔ عملی ایرانیان از آشنایی و فهم نهاد پارلمان است. این فهم هرچند ویژگی‌های مدرن و خاستگاهی غربی داشت. اما با مفاهیم برخاسته از آموزه‌های دینی نیز همراه بود، مانند تطبیق مشارکت غیرمستقیم مردم در نظام‌های پارلمانی بر پایهٔ قاعدهٔ شور که مبدع آن میرزا یوسف خان مستشارالدوله بود. در نشریه‌های *حکمت* و *چهره‌نما* که وقایع و تحولات ایران و جهان را رصد می‌کردند، چنین مبنای نظری‌ای در کنار رویکردهای مدرن در توصیف پارلمان‌های دیگر کشورها و مجلس شورای ملی ایران دیده می‌شد. *حکمت* با اتخاذ لحنی محتاطانه و مبهم در سال‌های پیش از ۱۳۲۳ق. از اعضای منتخب مردمی پارلمان‌های ژاپن، مصر و ترانسوال یاد می‌کند، اما جزئیات اختیارات آن‌ها را مسکوت می‌گذارد. *چهره‌نما* نیز در توصیف پارلمان انگلستان به طریق *حکمت* عمل می‌کند. هر دو نشریه علاوه بر ابهام در اختیارات، چنین نهاد و نظامی را برای ایران توصیه نمی‌کنند. *حکمت* تشکیل مجلس وزرا و *چهره‌نما* نیز تدوین و اجرای قانون را برای نظم اداری–سیاسی پیشنهاد می‌کنند. در سال ۱۳۲۳ق. احتیاط کمی کنار می‌رود؛ *حکمت* و *چهره‌نما* در گزارش‌های خبری از پارلمان روسی حضور اعضای منتخب مردمی در عرصهٔ تقنین را نوعی آغاز اتحاد میان دولت و ملت و در راستای فعل حسنهٔ شور کردن تبیین می‌کنند، اما باز توصیه‌ای برای ایران ندارند. آن‌ها حتی زمانی که زمزمه‌های تشکیل نهاد عدالت‌خانه درگرفت، لحنی محتاطانه داشتند. تبریزی تدوین نظام‌نامهٔ عدالت‌خانه را دستاوردی همچون اجازهٔ حضور مردم در پارلمان مهم جلوه می‌داد. *چهره‌نما* علی‌رغم خلط مبحث و هم‌سنگ دانستن عدالت‌خانه با پارلمان، حضور مردم را در عرصهٔ تصمیم‌گیری‌های سیاسی و تقنین در کنار نخبگان سیاسی مناسب می‌دید. این لحن با صدور فرمان تأسیس مجلس شورای ملی، به‌کلی تغییر کرد و هر آنچه در توصیف دیگر پارلمان‌ها به کار می‌بردند، برای مجلس شورای ملی نیز استفاده کردند. دو نشریه پیش‌زمینهٔ تأسیس چنین نهادی را تحدید قدرت

سیاسی سلطنت و توزیع آن با مردم تبیین کردند و به این ترتیب مجلس را مظهر اتحاد دولت و ملت و ذیل قاعدهٔ شور کردن در آموزه‌های اسلامی معرفی کردند. بنابراین، تأکید بر اتحاد و شور، به اساس توجیه دو نشریه برای پذیرش ورود ترکیب‌های اجتماعی دیگری مبدل شده بود. در خصوص جزئیات اختیارات، مجلس ابزاری مهم در ممانعت کارگزاران حکومت در تعدی به جان و مال مردم شناخته می‌شد. این ممانعت به‌عنوان عدالت تعریف شد؛ دو نشریه معتقد بودند که مجلس با نظارت بر امور مالی دولت به‌ویژه اعطای امتیازها و اصلاح امور مالیات و بودجه، به چنین تعریفی از عدالت نائل می‌شود. قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین نیز از اختیاراتی بود که هر دو نشریه در ذکر آن همسو بودند، به‌ویژه در تأکید موضوع تفکیک و استقلال مجلس به‌عنوان قوهٔ مقننه. بنابراین، فارغ از اتخاذ مفاهیم دوگانه‌ای چون قاعده شور برای پذیرش ورود غیرمستقیم مردم و ذکر مفهوم عدالت برای پذیرش دخالت منتخبین مردم در امور مالی دولت، تأکید بر استقلال مجلس در تقنین رویکردی کاملاً مدرن و بی‌سابقه بود که در نگاه دو نشریه می‌توان به‌وضوح رصد کرد. به‌ویژه زمانی که مجلس به توپ بسته شده بود، هرچند مجدد از مفاهیم شور و عدالت برای مشروعیت مجلس استفاده می‌شد، اما دو نشریه شجاعانه استقلال مجلسی با اعضای منتخبین مردم در راستای قانون‌گذاری و نظارت بر اجرای قوانین و نظارت بر امور مالی دولت را در مقابل مجلس مطلوب محمدعلی شاه علم کردند.

منابع

کتاب‌ها

۱. بشیریه، حسین (۱۳۹۹)، ***آموزش دانش سیاسی: مبانی علم سیاست نظری و تأسیسی***، تهران: نگاه معاصر.

۲. پروین، ناصرالدین (۱۳۷۷)، ***تاریخ روزنامه‌نگاری ایرانیان و دیگر پارسی‌نویسان***، تهران: مرکز دانشگاهی.

۳. حائری، عبدالهادی (۱۳۶۴)، ***تشیع و مشروطیت در ایران و نقش ایرانیان مقیم عراق***، تهران: امیرکبیر.

۴. داوری، رضا (۱۳۶۵)، ***ناسیونالیسم و انقلاب***، تهران: دفتر پژوهش‌ها و برنامه‌ریزی فرهنگی وزارت ارشاد اسلامی.

۵. صدر هاشمی، محمد (۱۳۶۳)، ***تاریخ جراید و مجلات ایران***، اصفهان: کمال.

۶. کاشانی، شیخ محمدمهدی شریف (۱۳۶۲)، ***واقعات اتفاقیه در روزگار***، به کوشش منصوره اتحادیه و سیروس سعدوندیان، تهران: تاریخ ایران.

۷. ***کتاب آبی، گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه انگلیس درباره انقلاب مشروطه ایران*** (۱۳۶۳)، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.

۸. ***کتاب نارنجی، گزارش‌های سیاسی وزارت خارجه روسیه درباره انقلاب مشروطه ایران*** (۱۳۶۷)، به کوشش احمد بشیری، تهران: نشر نو.

۹. کرمانی، ناظم الاسلام (۱۳۵۷)، ***تاریخ بیداری ایرانیان***، به اهتمام علی‌اکبر سعیدی سیرجانی، تهران: بنیاد فرهنگ ایران.

۱۰. مستشارالدوله، میرزا یوسف خان (۱۳۶۴)، ***رساله یک کلمه***، به کوشش صادق سجادی، تهران: تاریخ ایران.

۱۱. میرزا ملکم ناظم‌الدوله (۱۳۸۱)، ***رساله‌های میرزا ملکم خان ناظم‌الدوله***، به کوشش حجت‌الله اصیل، تهران: نی.

مقاله‌ها

۱۲. حضرتی، حسن (۱۳۸۸)، اختیارات مجلس در قوانین اساسی مشروطه ایران و عثمانی، ***پژوهش‌های تاریخی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان***، (۳)، ۴۰-۳۳.

۱۳. رادمهر، محمد و حجازی، سید نصرالله (۱۳۹۶)، تلقی روزنامه حکمت از لزوم مدارس جدید، ***رهیافت‌های سیاسی و بین‌المللی***، ۸(۳)، ۸۹-۶۸.

۱۴. زارعی، ستار و زرگرنژاد، غلامحسین (۱۳۹۷)، نقش تعلیم و تربیت در ترقی و پیشرفت ایران دورهٔ قاجار از منظر روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر، ***مطالعات تاریخ اسلام***، ۱۰(۳۸)، ۱۱۵-۱۳۷. DOR: 20.1001.1.22286713.1397.10.38.7.8.9

۱۵. زرگرنژاد، غلام‌حسین و زارعی، ستار (۱۳۹۴)، رویکرد انتقادی روزنامه‌های فارسی‌زبان مصر به وضعیت اقتصادی ایران در عصر ناصری و مظفری، ***تاریخ***، ۸(۳۷)،۶۰-۴۱.

۱۶. سوری، ایرج و ملایی توانی، علی‌رضا (۱۴۰۳)، تاریخ تحول مفهومی ملت قانون‌گذار در مجلس مؤسس مشروطه، ***تاریخ‌نامه ایران بعد از اسلام***، ۱۵(۳۹)، ۸۱-۵۵.
Doi: 10.22034/JIIPH.2024.58183.2461

۱۷. کوهستانی‌نژاد، مسعود (۱۳۸۶)، ایران و ایرانیان آیینه مطبوعات فارسی‌زبان مصر، ***یاد***، -(۸۳)، ۲۶۲-۲۲۵.

۱۸. ملایی توانی، علیرضا (۱۳۹۵)، مجلس شورای مملکتی به‌جای مجلس شورای ملی در دوره استبداد صغیر، ***مطالعات تاریخ اسلام***، ۸(۲۹)، ۱۴۹-۱۲۳.
DOR: 20.1001.1.22286713.1395.8.29.6.6

رساله و پایان‌نامه

۱۹. جعفری، هدا (۱۳۹۱)، ***اندیشه تحزب در روزنامه‌های فارسی‌زبان خارج از کشور از آغاز تا مشروطه***، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه پیام نور تهران.

۲۰. روشن، افسانه (۱۳۹۶)، ***تحلیل گفتمان انحطاط و عقب‌ماندگی در روزنامه‌های فارسی خارج از کشور در دورهٔ قاجاریه، مطالعه موردی اختر، حبل‌المتین و حکمت***، رساله دکتری، دانشگاه تهران.

مطبوعات

۲۱. **چهره‌نما**، (۱۳۲۲ق.)، ۱(۱)، سلخ محرم

۲۲. **چهره‌نما**، (۱۳۲۲ق.)، ۱(۲)، ۱۵ صفر

۲۳. **چهره‌نما**، (۱۳۲۲ق.)، ۱(۷)، ۱۵ جمادی‌الاول

۲۴. **چهره‌نما**، (۱۳۲۳ق.)، ۲(۲۷)، ۱۰ رمضان

۲۵. **چهره‌نما**، (۱۳۲۳ق.)، ۲(۳۴)، ۲۰ ذی‌الحجه

۲۶. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۲(۳۵)، غره محرم

۲۷. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۲(۳۶)، ۲۰محرم

۲۸. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۲(۴۴)، غره جمادی‌الاول

۲۹. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۳(۵۱)، ۱۰ شعبان

۳۰. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۳(۵۲)، ۲۰ شعبان

۳۱. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۳(۵۳)، ۲۰ رمضان

۳۲. **چهره‌نما**، (۱۳۲۴ق.)، ۳(۵۴)، ۱۰ شوال

۳۳. **چهره‌نما**، (۱۳۲۶ق.)، ۵(۵۶)، ۱۰جمادی‌الاول

۳۴. **چهره‌نما**، (۱۳۲۶ق.)، ۵(۵۹)، غره رمضان

۳۵. **چهره‌نما**، (۱۳۲۶ق.)، ۵(۶۱)، ۲۰ شوال

۳۶. **چهره‌نما**، (۱۳۲۶ق.)، ۵(۶۲)، ۱۵ ذی‌القعده

۳۷. **چهره‌نما**، (۱۳۲۶ق.)، ۵(۶۳)، غره ذی‌الحجه

۳۸. **چهره‌نما**، (۱۳۲۷ق.)، ۶(۱۰)، اول رمضان

۳۹. **حکمت**، (۱۳۱۵ق.)، ۶(۲۴۴)، ۱۹ ذی‌الحجه

۴۰. **حکمت**، (۱۳۱۶ق.)، ۷(۲۵۷)، ۱۵ رجب

۴۱. **حکمت**، (۱۳۱۷.)، ۸(۲۶۵)، ۲ محرم

۴۲. **حکمت**، (۱۳۱۷ق.)، ۸(۲۷۷)، ۲۰ جمادی‌الاول

۴۳. **حکمت**، (۱۳۱۷ق.)، ۸(۲۷۹)، ۱۰ جمادی‌الاول

۴۴. **حکمت**، (۱۳۲۰ق.)، ۱۰(۸۳۴)، ۱۵ رجب

۴۵. **حکمت**، (۱۳۲۰ق.)، ۱۱(۸۳۵)، غره شعبان

۴۶. **حکمت**، (۱۳۲۳ق.)، ۱۳(۸۵۵)، ۱۰ جمادی‌الثانی

۴۷. **حکمت**، (۱۳۲۳ق.)، ۱۳(۸۵۸)، ۱۰ رجب

۴۸. **حکمت**، (۱۳۲۳ق.)، ۱۴(۸۶۵)، اول ذوالقعده

۴۹. **حکمت**، (۱۳۲۴ق.)، ۱۴(۸۷۲)، ۱۵ رجب

۵۰. **حکمت**، (۱۳۲۴ق.)، ۱۵(۸۷۳)، غره شعبان

۵۱. **حکمت**، (۱۳۲۴ق.)، ۱۵(۸۷۶)، ۱۰ رمضان

۵۲. **حکمت**، (۱۳۲۴ق.)، ۱۵(۸۷۷)، یک ذی‌القعده

۵۳. **حکمت**، (۱۳۲۴ق.)، ۱۵(۸۷۸)، ۱۵ ذی‌القعده

۵۴. **حکمت**، (۱۳۲۴ق.)، ۱۵(۸۸۰)، ۱۵ ذی‌الحجه

۵۵. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۵(۸۸۲)، ۱۵ صفر

۵۶. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۵(۸۸۴)، ۱۵ ربیع‌الثانی

۵۷. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۵(۸۹۱)، ۱ رجب

۵۸. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۶(۸۹۳)، غره شعبان

۵۹. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۶(۸۹۵)، غره رمضان

۶۰. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۶(۸۹۷)، غره شوال

۶۱. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۶(۹۰۱)، غره ذی‌الحجه

۶۲. **حکمت**، (۱۳۲۵ق.)، ۱۶(۹۰۲)، ۱۵ذی‌الحجه

۶۳. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۶(۹۱۴)، ۱۵ جمادی‌الثانی

۶۴. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۶(۹۱۵)، غره رجب

۶۵. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۶(۹۱۶)، ۱۵ رجب

۶۶. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۷(۹۱۹)، غره رمضان

۶۷. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۷(۹۲۰)، ۱۵ رمضان

۶۸. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۷(۹۲۱)، غره شوال

۶۹. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۷ ۹۲۲، ۱۵ شوال

۷۰. **حکمت**، (۱۳۲۶ق.)، ۱۷(۹۲۴)، ۱۵ ذی‌القعده

۷۱. **حکمت**، (۱۳۲۷ق.)،۱۷(۹۲۷)، غره صفر

۷۲. **حکمت**، (۱۳۲۷ق.)، ۱۷(۹۳۲)، ۱۵ جمادی‌الاول

۷۳. **حکمت**، (۱۳۲۹ق.)، ۱۹(۹۶۹)، ۱۵ ربیع‌الاول

۷۴. ***روزنامه مجلس***، (۱۳۲۵ق.)، ۱(۶۳)، سال ۱۷ صفر

۷۵. ***روزنامه مجلس***، (۱۳۲۵ق.)، ۱(۷۴)،۶ ربیع‌الاول